

اندایشه نیک گفتار نیک کردار نیک



نگاهی



به دین زرتشتی

## نگاهی به دین زرتشتی



### ◆ دین اشوزرتشت:



اشوزرتشت پیام آور آیین راستی و خرد ، ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد، به روز ششم فروردین در سرزمین ایران زاده شد. کتاب اوستا زادگاه پیامبر را رگه محلی در کنار رودخانه درجی از Droji و در نزدیکی دریاچه چیچست گزارش کرده است. پدر اشوزرتشت پوروشسب و مادرش دغدو و همسر وی هووی نام داشت. فرزندان اشوزرتشت سه پسر به نام های ایسدواستر ، اروتندر و خورشید چهر و سه دختر بنام های تربیتی ، فرینی و پورچیستا بودند. اشوزرتشت در نوجوانی باورهای خرافی مردم و پرستش خدایان پنداری را نادرست تشخیص داد . آن گاه در ۲۰ سالگی تنهایی را برگزید و به طبیعت روی کرد و پروردگار خود را با دیده دل شناخت. وی در ۳۰ سالگی از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد و برای نخستین بار ، آیین یکتاپرستی را به جهانیان سفارش کرد.

در اندیشه و پیام اشوزرتشت خداوند هستی بخش ، اهورا مزدا نام دارد. "اهورا" یعنی هستی بخش ؛ "مز" یعنی بزرگ و "دا" از دانش و دانایی آمده است. پس انسان را بنده و برده خویش نمی داند بلکه با خرد (منه) و وجدانی (دائنه) که به انسان بخشیده، جایگاه ارزشمند انسانی و دانایی را به او پیشنهاد کرده است. از دیدگاه اشوزرتشت، خداوند کینه توز ، انتقام جو ، خشمناک و مجازات گر نیست ، بلکه سراسر نیکی ، مهر و داد است.

### ◆ " گات ها " کتاب آسمانی زرتشتیان



گاتها یا گات ها کتاب آسمانی و دینی زرتشتیان می باشد که توسط اشوزرتشت به نگارش درآمده و در دل یسنا جای گرفته است . پنج بخش دیگر اوستا شامل "یسنا" ، "یشت ها" ، "وندیداد" ، "ویسپرد" و "خرده اوستا" است که توسط انجمن مغان و موبدان بزرگ در درازای تاریخ نوشته شده و کتابهای مذهبی زرتشتیان بوده و بسیار گرامی می باشند.

### ◆ پیام اشوزرتشت

اشوزرتشت در رسانیدن پیام اشا به مردم ، به هیچ معجزه ای نیاز نداشته است او نه با معجزه ، بلکه با زبان خرد و منطق با مردم سخن گفته است. اشوزرتشت ، پیام اهورامزدا را به شیوایی و رسایی در سروده های خویش آورده است . گاتها ، که نخستین سروده های شعر گونه جهان است ، از روش درست زیستن و رستگاری شدن سخن می گوید. گاتها اندیشه ورز، خرد گرا و وجدان پرور است و برای همه

انسان ها در هر زمان و مکان ساده ترین و بهترین الگوی رفتاری را به گونه منطقی، به دور از هر گونه پندارهای خرافی و نادرست بیان کرده است.

گاتها یعنی "سرودهای پاک" را مردمی که پیام اشوزرتشت را به کار بسته اند، پایه ایمان و درک خود را بر آن گذاشته اند. گاتها در بیان اشوزرتشت، مانتره نامیده شده که "کلام اندیشه برانگیز، اهورایی و مقدس" معنا میدهد. از دیدگاه گاتها، زندگی مادی انسان باید با طبیعت و قوانین حاکم بر آن که اشا نامیده شده سازگار و هماهنگ باشد و در نگرش مینوی، انسان باید به یاری وهومن دریچه دل خود را بسوی راز هستی بگشاید تا روشنایی حقیقی را مشاهده کند. سخن گاتها تنها برای دانایان قابل درک است، زیرا فرد نادان و جاهل بر پایه احساسات تند و بی منطق خود حرکت می کند و گوش شنوایی برای پیام اهورایی ندارد. پس نخستین گام برای درک پیام گاتها، آموختن چگونگی کنترل احساسات در فرد است. هنگامی که فرد دانا اندیشه راستی جویی را می آموزد باید دانش و بینش خود را به دیگران، به ویژه به افراد نا آگاه برساند؛ تا خرافه گرایی و پندار بافی و خرافات از جامعه انسانی رخت بریندد.

### ♦ اصول دین زرتشتی

اصول و چارچوب دین و فرهنگ زرتشتی که از دوران کهن دقیقا روشن بوده و همیشگی بوده و غیر قابل تغییر است ۹ اصل کلی است که به این ترتیب می باشد:

- ۱- باور به اهورامزدا، خدای یکتا و بی همتا (توحید)
  - ۲- باور به پیام آوری اشوزرتشت (نبوت) و ایمان به پیام همه گاتها
  - ۳- باور به بقای روح و جهان مینوی (معاد)
  - ۴- باوربه قانون اشا ( راستی و پاکی و عشق اهورایی، دو گوهر همزاد)
  - ۵- باور به گوهر آدمی (برابری حقوق همه انسان ها و برابری حقوق زن و مرد)
  - ۶- باور به امشاسپندان و هفت پایه عرفان زرتشتی
  - ۷- باور به داد و دهش و دستگیری نیازمندان (اشوداد، گاهانبار، نهادک، وقف)
  - ۸- باور به سپننه ( مقدس ) بودن چهار آخشیح " آب و باد و خاک و آتش " و لزوم پاک نگهداشتن محیط زیست
  - ۹- باور به فرشکرد (نوآوری و تازه گردانی جهان بر پایه دین و فرهنگ زرتشتی) .
- بدیهی است که سایر دستورات دینی باید همواره در این چهار چوب عمل کرده و نبایستی مخالف این اصول باشد.

## ♦ آیین ها در دین زرتشتی

آیین ها در دین زرتشتی شامل اصول برگزاری سنت ها و آیین ها و احوال شخصیه (بخش های حقوقی) و اصول اخلاقی زرتشتی و فرهنگ زرتشتیان (قوانین دینی) است که که کاملاً ثابت و مشخص هستند. زرتشتیان یک خدا دارند، هفت امشاسپندان، دوازده ماه سال که هر روز از سی روز آن نامی ایزدی (ستودنی) دارد. مراسم سدره پوشی، عروسی، جشن های ماهیانه، گاهنبار، مراسم روان (درگذشتگان) شامل سوم، چهارم و سی روزه و غیره که هر یک بر پایه اصولی ساخته و پرداخته شده و مفاهیم فلسفی ژرف در دل خود دارند ولیکن بسیار ساده و مردمی هستند. نشان ظاهری زرتشتیان سدره و کشتی است و نشان باطنی، پای بندی به اندیشه و گفتار و کردار نیک و خارج نشدن از جاده راستی و درستی و عشق به اهورا مزدا و تمام نیکی ها و راستی هاست که در مجموع به همه آنها اشویی می گویند.

عرفان زرتشتی هم هفت پایه دارد که از وهومن (نیک منشی) آغاز و به سپننه منی می انجامد. نخستین اصل بنیادین زرتشتی همواره این بوده که دین زرتشتی هرگز از اصول دین و فرهنگ خارج نشود و هیچکس به خود حق ندهد که برداشت شخصی خود را به عنوان دین زرتشتی جایگزین دین زرتشتی راستین نماید. متولی این کار سپندینه انجمن مغان بوده است که در سه بخش تعریف می شود:

- ۱- بن پایه های قوانین حقوقی که لازم است در احوال شخصیه جامعه برقرار باشد.
  - ۲- اصول دینی که لازم است در مراسم آیینی مانند سدره پوشی، گواه گیری (عروسی) گاهنبار و مراسم درگذشتگان و غیره استوار باشد.
  - ۳- اصول فرهنگی، یعنی راه و روش زرتشتی زیستن که توسط بهدینان اعم از موبدان و موبد یاران و سایر بهدینان لازم است رعایت شود.
- همانگونه که گفته شد همه این اصول در چارچوبی بسیار دقیق و کارشناسی بررسی می گردد و برپایه یکتاپرستی، اصول انسانیت و اخلاق نیک دین بهی استوار است.

زرتشتیان بر این باور دارند که اشوزرتشت گفته است به سخنان بهین گوش فرا دهید، یعنی تنها باید به اندیشه هایی اندیشید که بر پایه دانش و اخلاق باشد و همچنین هشیار کننده و بیدار کننده وجدان و اخلاق و همچنین خواستار بهترین اشویی باشد. پس از آن نیز گفته است با اندیشه روشن در آن بنگرید، یعنی تنها به شناختی باور دارد که با خردی مورد سنجش قرار گیرد که به کمترین دانش لازم برای درک موضوع مجهز شده باشد و سود و منافع شخصی را مقدم بر سود جامعه زرتشتیان و حتی فراتر از آن، بر جامعه انسانی نداند. و در آخر نیز می گوید هر مرد و زن باید خود راه خویش را برگزیند، این معنی را آشکار می کند که اشوزرتشت همه آدمیان را صاحب اندیشه و اختیار می داند و به همه حق می دهد که دعوت او را بپذیرند و یا پذیرا نباشند، ولی به هیچکس این حق را نمی دهد تا بر پایه برداشت

خود، اصول و فروع دین اهورایی او را بنا به میل و سود خود تفسیر کند و یا آن را تغییر دهد. از این رو است که در گات‌ها تنها از اصول، یعنی از حقایق و راه انسانی زیستن، سخن گفته است و آیین زرتشتی زیستن را نیز در انجمن مغان پایه نهاده است. بر این انجمن تکلیف است که هرگز به خود اجازه ندهد تا از حقایق، راه و آیین دین زرتشتی و از چارچوبی که اشوزرتشت آن را اصل و فرهنگ دین تعیین کرده است، خارج شوند.

### ♦ قانون اشا (راستی)

نگرش اشوزرتشت به جهان هستی، پیروی و پیوستن به قانون اشا (راستی به تمام معنی) می‌باشد. از دیدگاه او خداوند جان و خرد، جهان را بر پایه هنجاری آفریده که بر تمام هستی حکم فرماست. پیامبر ایرانی این هنجار دقیق و نظم حساب شده را اشا می‌نامد. استواری قانون اشا بر جهان هستی، بازتاب اراده و خواست پروردگار بزرگ است. قانون اشا، نیروی هماهنگ کننده جهان هستی است و همه پدیده‌ها از اتم تا کهکشان‌ها بر پایه این هنجار استوار می‌باشند. در باور زرتشتی، انسانی به راستی پیروز است که خود را با هنجار هستی، همگام و همراه سازد. و راستی و پاکی و درستی، مهر و فروتنی و دیگر فروزه‌های نیک انسانی را در خود پرورش دهد.

### ♦ دین

دین از واژه "دئنه" در اوستا آمده است و به معنای وجدان آگاه یعنی نیروی تشخیص خوب از بد و انتخاب نیک بر پایه خرد و با آزادی و اختیار کامل است. در این بینش، انسانی دیندار است که می‌اندیشد و با کمک منش نیک خود آزادانه راه اشا (راستی) را بر می‌گزیند و در راه سپننه من شدن گام بر می‌دارد. انسان با این نگرش، با آزادی در دو جهان مادی و مینوی مسئول می‌شود و سرانجام بر اساس اصل کنش و واکنش، پادافره‌گزینش و رفتار خویش را دریافت می‌کند.

### ♦ دو گوهر همزاد

اشوزرتشت، در پیام خود به دو گوهر همزاد اما متضاد اشاره دارد که در نظم آفرینش نقش دارند. اثر این دو گوهر، نیرویی است که در کوچکترین ذره‌ها به صورت مثبت و منفی چون پروتون و الکترون وجود دارد و در همه جای هستی و کهکشان، به گونه‌ای کشش و رانش و یا دو گوهر ناهمگون اثر می‌گذارد. این‌ها هیچ کدام در نظم اشا، بد آفریده نشده‌اند، بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند، از این رو اهورامزدا خالق بدی‌ها و زشتی‌ها نیست. و آن‌چه بر مبنای اراده اهورایی آفریده شده، همه نیک و خوب هستند. این دو گوهر همزاد و متضاد، به هنگام گزینش و انتخاب در اندیشه انسان است که مفهوم نیک و بد پیدا می‌کند. انسان دانا که از خرد و دانش بهره‌مند است، "سپننه مینو" یعنی منش سازنده را در اندیشه پدیدار و پویا می‌نماید و شخص نادان که تنها از احساس و تعصب پیروی می‌کند، "انگره مینو" یعنی منش ویران کننده و آسیب‌رسان (که در زبان پارسی اهریمن نامیده شده است) در

ذهنش به وجود می آید. بنابراین آفریننده اهریمن یا اندیشه ویران گر، خداوند نیست بلکه انسان نادان است که کژاندیشی را به گفتار دروغ و کردار ناشایست تبدیل می کند.

### ♦ بهشت و دوزخ

اهورامزدا برای همه آفریده های خویش، خوشبختی و رستگاری آرزو دارد، از اینرو راه درست زیستن را به کسی که از خرد و وجدان خود بهره می گیرد، نشان داده است. آنان که کژاندیشی برگزینند و برخلاف قانون اشا گام بردارند، بد گفتاری و زشت کرداری بوجود می آورند و بر اساس فرایند کنش و واکنش پادافره رفتار خود را دریافت خواهند کرد. از این دیدگاه هرگز پروردگار، جایگاهی به نام جهنم برای شکنجه انسان پدید نیاورده ، بلکه این خود انسان است که با کارکردش ، بهشت و دوزخ را برای روان خویش پدید می آورد. بهشت (وهیستم منو) یا بهترین مکان مینوی، رسیدن به شادی و آرامش روان ، بازتاب اندیشه ، گفتار و کردار نیک انسان است. دوزخ (اچیشتم منو) یا بدترین جای مینوی، یعنی عذاب وجدان و افسردگی روان ، پی آمد کژاندیشی است که در دو جهان مادی و مینوی به سوی انسان بازخواهد گشت .

### ♦ تازگی و پویایی ( فرشه )

در آیین اشوزرتشت و در راستای قانون اشا نه تنها واپس گرایی روانیست، بلکه ایستایی و سکون نیز ناپسند است. "فرشه" واژه ای از پیام اشو زرتشت است که همگان را به سوی تازگی و بالندگی سفارش می کند. اندیشه و خرد ، تن و روان انسان و به طور کلی فرهنگ و اخلاق بشر، باید به سوی تازگی و پیشرفت حرکت کند، اشوزرتشت در پیام خود از پیروانش می خواهد که همواره جهان را نو و زندگی را تازه گردانند . به باور پیامبر باستانی ایران ، انسان باید گام هایی هرچند کوچک در راه رسیدن به زندگی بهتر ، سازنده تر و کسب آسایش ، همراه با آرامش بردارد.

### ♦ کار و کوشش

ما خواستاریم از جمله کسانی باشیم که جهان را به سوی آبادانی و پیشرفت رهنمون میشوند ( گات ها ). یکی از کاراترین عوامل آبادانی و پیشرفت، کار و کوشش است که خوشبختی مردم جهان را در پی خواهد داشت. اشوزرتشت در گات ها از همه خواستار است که در راستای پیروی از قانون اشا و به یاری منش نیک در حد توان خود برای پیشرفت و آسایش جامعه انسانی کوشش کنند. در باور زرتشتی شکوفایی اقتصادی و هنر آفرینی و تلاش در انجام کار نیک ، یکی از برترین راه های نیایش پروردگار است، به همین روی، در دین زرتشتی درویشی ، ریاضت کشیدن ، تبلی و گدایی از کارهای بسیار ناشایست شناخته شده است.

## ♦ فروهر

در باور سنتی زرتشتیان، وجدان انسان از پنج گوهر تشکیل شده که به هم پیوسته اند و از تاثیر آن ها بر یکدیگر، پویندگی و بالندگی در فرد سرچشمه می گیرد. این پنج جز عبارتند از: تن و جان که مربوط به جهان مادی است و روان، قدرت دراکه (خرد و وجدان) و فروهر که مربوط به جنبه مینوی سرشت آدمی هستند. واژه فروهر از دو قسمت "فر" به معنی پیش و نیروی بالنده و "وهر" یعنی کشنده (کشنده) و برنده (برنده) درست شده است. (نیروی پیش برنده) این گوهر، ارزشمندترین پاره وجودی انسان است زیرا پرتویی از فروغ بی کران ذات اهورامزدا بوده که در ذرات هر شخص موجود و سرچشمه پیدایش و پویایی فروزه های اشویی در انسان می باشد. فروهر، گوهری است که روان را از گرایش به کژی، کاستی و دروغ باز می دارد و به انسان قدرت خلاقیت و باروری میدهد، تا روان آدمی راه خداجویی را سپری کرده و شایستگی فراگیری نور حقیقت و رسیدن به مقام سپننه منی را داشته باشد. در دوره هخامنشیان، نگاره ای با این نام به عنوان آرم ملی، برگرفته از اندیشه های بنیادی دین زرتشتی، رایج گردید که هر یک از اندام این نگاره فروهر، مفهومی در اندیشه نیاکان دارد:



۱- چهره سالخورده و نورانی فروهر، یادآور بهره گیری از تجربه پیران خردمند است.

۲- دست راست فروهر رو به سوی بالا و جلو، در حال نیایش اهورامزدا و گرایش به پیشرفت و بالندگی است.

۳- حلقه در دست چپ این نگاره جلوه گاه حلقه مهر و نشان پیمان انسان با خداوند و در پیوستن به اشویی است.

۴- بال فروهر سه قسمت دارد تا فراگیری اندیشه، گفتار و کردار نیک را به انسان سفارش کند.

۵- حلقه دور کمر فروهر، نشان جهان بی کران و وارستگی انسان از امیال ناهنجار و نیروی پرواز او به سرچشمه نور است.

۶- دو رشته آویخته در پایین، نشان پیوستن به سپننه مینو (منش پاک) و پشت سر گذاشتن انگره مینو (اندیشه پلید) است.

۷- قسمت زیر بال فروهر نیز سه قسمتی است تا زیر پا گذاشتن اندیشه و گفتار و کردار بد را یادآوری کند و هر فرد باید بیاموزد که چگونه اندیشه، گفتار و کردار ناپاک را از خود دور سازد.

## ♦ صلح و دوستی جهانی

" می ستاییم دین مزدیسنی را که دور نگه دارنده جنگ افزار و آشتی دهنده است و دین از خود گذشتگی است" (اوستای مزدیسنواهمی). پیام اشو زرتشت است که انسان باید جهانی (انسانی) بیاندیشد. ملی کار و کوشش کند و دینی زندگی نماید. بنابراین اصل در آیین زرتشتی، جنگ و دشمنی چه در جهت کشور گشایی و چه به نام گسترش دین، ناشایست است و یک زرتشتی باید به جهانی سرشار از دوستی و مهربانی بیاندیشد. همه انسان ها باید با پیوستن و پایبندی به اشا، مهربانی و یگانگی را گسترش دهند تا دوستی جهانی پدیدار شود. هر زرتشتی به هنگام نیایش روزانه، باور و پیمان خود را در سرود "مزدیسنواهمی" به مهر و آشتی در دین مزدیای زرتشتی استوار می سازد. او آیینی را پیروی می کند که مخالف جنگ و خونریزی و ستایشگر آشتی، و دین از خود گذشتگی و پارسایی است.

## ♦ خوشبختی و شادمانی

خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشد (گات ها). واژه جشن از ریشه "یسن" و به مفهوم ستایش خدا می باشد. دین زرتشت، آیین شادمانی است. از این رو، پیروان زرتشت شاد بودن و خوش زیستن را برگزیده اند و از افسردگی و سوگواری دوری می کنند. در این آیین جشن و سرور، یکی از راه های نیایش و ستایش خداوند و نزدیک شدن به اوست، به همین انگیزه زرتشتیان، جدای از جشن های نوروز، مهرگان و سده جشن های ماهیانه هم دارند و آن روزهایی است که نام روز و ماه برابر می شود و جشن گاهانبار که به داد و دهش می پردازند و بار می دهند و داد می گسترانند. پیامبر ایرانی، پیروان خود را شادمان و خشنود می خواهد زیرا در پرتو این فروزه ها، تن انسان نیرومند و روان او شاد می شود، در نتیجه شوق به کار و کوشش در آن فزونی می یابد. در بینش اشوزرتشت خوشبختی و آسایش واقعی تنها با کوشش به " نیکی کردن از راه راستی " به دست می آید و هرگز انسانی که از راه ناشایست خود را خوشبخت می سازد، به خرسندی واقعی دست نخواهد یافت.

## ♦ حقوق بشر

در آیین زرتشت، انسان ها از هر نژاد، ملیت و قوم و با هر زبان و رنگ پوست و هر دین و عقیده از حقوق برابر برخوردارند. برتری طلبی دینی، قومی و نژادی در این آیین نیست. زرتشت تنها عامل برتری را پایبندی به قانون اشا و پیروی از اندیشه، گفتار و کردار نیک می داند. از دیدگاه اشوزرتشت خداوند، همه انسان ها را از نعمت خرد برخوردار ساخته و وجدان داده و آزاد آفریده است. تا با بهره گیری از اندیشه و دانش خویش، دیدگاه و پیشنهاد های گوناگون را مورد ارزیابی قرار دهند و با اختیار کامل بهترین راه را در زندگی برگزینند. چنانکه انسانها از آزادی در انتخاب دین و آیین نیز بهره مند هستند. وقتی انسان ها از حقوقی مساوی برخوردار باشند، زن و مرد نیز در تمام مراحل مادی و مینوی زندگی حقوقی برابری دارند.



## ♦ جبر و اختیار

" به سخنان مهین گوش فرا دهید. با اندیشه روشن در آن بنگرید. هر مرد و زن خود باید راه خویش را برگزیند" (گات ها). فلسفه دین اشوزرتشت، می آموزد که جبر تابعی از قانون اشا می باشد و بدون هیچگونه کم و کاستی، از اختیار یا آزادی گزینش راه جانبداری می کند و از جبر سخن نمی گوید. در این نگرش نظریه "گناه آغازین" هم مانند نظریه جبر پذیرفته نیست. به این ترتیب، همه بدون گناه و پاک به این دنیا قدم می گذارند و هر کس با انتخاب راه خود، زندگی و آینده خویش را رقم می زند. انسان با هر گونه توانمندی جسمی روحی و خانوادگی پس از زاده شدن می تواند دانش اندوزد و خردمندانه تلاش کند تا همه جبرها را که بر پایه قانون اشا عمل می نمایند، بشناسد و زندگی خود را سامان بخشد تا با رنج ها و کاستی ها مبارزه نموده، همه نارسایی ها به رسایی تبدیل نماید. کیش اشوزرتشت، دین آزادگی و آیین داد و امید است. گاتها، انسان را به گزینش منش نیک، رهبر دانا، دوست خردمند و همسر اشو سفارش می کند، اما وادار نمی سازد. دین زرتشت به هر شخص به عنوان فرد آزاده ارج می گذارد و در آن حق آزادی و اختیار یکی از با ارزش ترین داده های اهورایی شناخته می شود که هیچ کس حق گرفتن آن را از دیگری ندارد.

## ♦ پاسداری از محیط زیست

در راستای قانون اشا، انسان در برابر جهان هستی و آنچه در آن روی می دهد مسئول است و باید از تخریب منابع مادی و معنوی جهان هستی بپرهیزد. یکی از نموده های اندیشه نیک که در این آیین بر آن سفارش شده، حفظ محیط زیست است. بر همه زرتشتیان پاسداشت زیستگاه خود و گرمی داشت چهار آخشیح پاک کننده که آب، آتش، خاک و هوا می باشد، بایسته است و آلوده کردن و بهره گیری نادرست یا بیهوده از آن ها، جزو کارهای ناشایست در باور بهدینان به شمار می آید.

## ♦ هفت پایه عرفان زرتشتی

شناخت خداوند، پرورش و پویایی ویژگی های اخلاقی و نزدیک شدن به اهورامزدا و سپنته من شدن، مهمترین هدف سفارش شده اشوزرتشت در زندگی انسان است. این پیام آور ایرانی باور دارد که اگر انسان رفتار خود را به شش فروزه ای که از خداوند سرچشمه گرفته هماهنگ سازد، گذری به هفتمین مرحله نیز خواهد داشت و به جایی خواهد رسید که جز خدا نخواهد دید. نخستین گام در راه نزدیک شدن به اهورامزدا، "وهومن" یا منش نیک است. این واژه در زبان پارسی بهمن تبدیل شده است. نیک اندیشی یکی از فروزه های ذاتی خداوند است و از داده های اهورایی به انسان است و هر آدمی باید در خود پرورش دهد. گام دوم، گزینش "اشه وهیشته" یا بهترین اشویی است که در زبان پارسی به اردیبهشت تبدیل شده است. اشویی در ذات خداوند، راستی و هنجار مطلق و توانایی نظم بخشیدن است. پرورش این فروزه در انسان نیز کوششی برای هماهنگی در رفتار بر پایه اشویی، یعنی پیوستن به راستی است. گام سوم، "خشته ویریه" که در زبان

فارسی به شهرپور تبدیل شده است توانایی مینوی و شهرپاری بر خویش معنا می دهد. فروزه توانایی در انسان، گزیده ای از توانایی ذاتی خداوند به گونه محدود و متناهی است که باید پرورش و افزایش یابد. توانایی گذشت و مهربانی، توانایی کنترل رفتار ناهنجار با هماهنگی بین احساس و خرد ، توانایی پیروی از هنجارها ، توانایی دفاع از حق و مبارزه با دروغ ، توانایی رسیدن به آزادی و آزادمنشی و ... را شامل می شود. گام چهارم ، فروزه مهرورزی است که در گاتها با "سپننه آرمیتی" بیان شده است و در فارسی سپندامذ یا اسفند تبدیل شده است. در بینش اشوزرتشت رابطه بین انسان و خدا بر مبنای دوستی و محبت است نه از روی ترس و بیداد ، بلکه از روی شناخت و دوستی است، پس بر انسان بایسته است تا فروزه مهرورزی را در خود افزایش دهد. وفای به عهد، خویشتن داری، گذشت، فروتنی، بخشندگی و دهشندی از پرتوهای این فروزه هستند. گام پنجم و ششم ، فروزه بعدی در پیام اشوزرتشت به صورت "هه اوروات" و در فارسی به گونه خرداد بیان شده است. دانش اندوزی انسان را برای رسیدن به مرحله رسایی و کمال یاری نموده و او را به تدریج به انسان آرمانی نزدیک خواهد کرد. در بینش اشوزرتشت رسایی (خرداد) با جاودانگی (امرات یا امرداد) که ششمین مرحله کمال است، به هم پیوسته هستند. به این معنا که اگر انسان به رسایی برسد، خود به خود به "بی مرگی" نیز خواهد رسید. "امره تات" که در فارسی به صورت امرداد آمده است، جاودانگی معنا می دهد. بی گمان این فروزه از ویژگی ذاتی خداوند است، اما انسان نیز بر پایه نظامی که در آفرینش او پیش بینی و برقرار شده است، به گونه ای دیگر می تواند به جاودانگی برسد. هفتمین گام در راه عرفان زرتشتی و شناخت کامل اهورامزدا ، رسیدن به مقام انسان کامل یعنی "سپننه من" است که نور حقیقت و ندای اهورایی را دریافته و چون مشعلی فروزان، نهاد و دیده دل عارف را روشن خواهد کرد. فروزه هایی چون کار و کوشش و پاکی و راستی، توانایی سازندگی و ابداع و مهرورزی پویا خواهد شد تا رسایی و پایندگی در نهاد او فزونی یابد و به خدا نزدیک شود.

### ♦ نور پرستش سوی (قبله) زرتشتیان

پیروان آیین زرتشت که خود را مزدیسنی یعنی پرستندگان مزدا ( خداوند ) نیز می گویند، در نیایش های خود با تن و روانی پاک، رو به سوی روشنایی، خداوند را سپاس گفته و نیایش می کنند. زرتشتیان به گاه نیایش، زندگی سرشار از آسایش و بهروزی را برای همه نیک اندیشان و نیک کرداران جهان آرزو می کنند و آتش را در کنار سه عنصر دیگر آب ، خاک و هوا گرمی می دارند و و از آتشکده ها به نشانه پرچم مهر و پاکی در محل زندگی خود، پاسداری می کنند . آنان به هنگام نیایش از روشنایی آتش نیز همانند نورهای دیگر، به عنوان پرستش سو (قبله) بهره می گیرند. زرتشتیان باور دارند که آتش نماد " اشا " و از بین برنده ناپاکی ها و روشن کننده تاریکی ها است و همواره به سوی بالا میرود و خود میسوزد و دیگران را نور و گرما و انرژی می بخشد و چرخ های صنعت و پیشرفت را به چرخش می آورد. آتش درونی انسان که اندیشه او را به خرد بی پایان اهورایی پیوند می زند، نیز می تواند این فروزه ها را آموخته و به دیگران بیاموزد. زرتشتیان آتش آدریان ورهرام که از آتش نیاکانی و 16 آتش صنوف گوناگون تهیه شده را به عنوان نماد یا پرچم هویت دینی

خود میدانند و گرمای داشته و به آن افتخار می کنند. آتشکده به مجموعه آدریان و کتابخانه و مدرسه و سالن های وابسته به آن گفته میشود که آتش عشق و دانش و مهر و خرد و هماهنگی و همآزوری می آموزد و اشویی را گسترش میدهد.

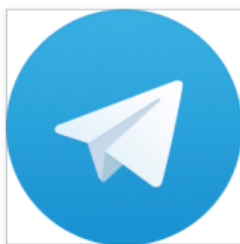
### ♦ چکیده تاریخ زرتشتیان

دین زرتشتی از زمان کیانیان آغاز و در زمان هخامنشیان در ایران رواج یافت. در زمان اشکانیان گسترش یافت و در دوران ساسانیان دین رسمی ایران بود. پس از ورود تازیان به ایران، برخی را به اجبار به تغییر دین واداشتند و گروهی از زرتشتیان در پی چپاول و کشتار تازیان در ایران به سوی هند مهاجرت کردند. آنان صادقانه با تلاش و پشتکار در هند به پارسیان شناخته می شدند هم اکنون از شهروندان خوشنام و ارزشمند هندوستان به شمار می آیند و همواره اصالت ایرانی خود را یادآور می شوند. زرتشتیانی که در ایران باقی ماندند در اولین حکومت های پس از یورش تازیان به ایران روزگار بسیار سختی را سپری کردند و پس از کوچ های مختلف در شهر های کویری همچون کرمان و یزد ساکن شدند و با کندن کاریزها آب را از دل زمین به درآوردند و پیشه سفارش شده اشوزرتشت یعنی کشاورزی را در کویر گسترش دادند. در سده های بعد در دوره قاجار مانکجی لیمجی هاتریا موفق شد با یاری پارسیان هندوستان جزیه را از دوش زرتشتیان بردارد. پس از آن تا دوران حاضر زرتشتیان توانستند در شهر های دیگر نیز سکونت کرده و با یاری زرتشتیانی چون مارکار مراکز دینی ، آموزشی ، اجتماعی و درمانی تاسیس و با اعتقاد به همزیستی در کشور اهورایی ایران خدمات بیشماری به دیگر هم میهنان بنمایند.

## برای دریافت آگاهی ها و آموزش های دین بهی زرتشتی

### به کانال دین بهی در تلگرام بپیوندید

[https://telegram.me/Dine\\_Behi](https://telegram.me/Dine_Behi)



Telegram: Contact @Dine\_Behi

TELEGRAM.ME



### تارنمای دین بهی را در دیگر شبکه های اجتماعی نیز دنبال کنید

[www.facebook.com/DineBehi](http://www.facebook.com/DineBehi)

[www.twitter.com/DineBehi](http://www.twitter.com/DineBehi)

[www.google.com/+Dinebehi](http://www.google.com/+Dinebehi)

[https://telegram.me/Dine\\_Behi](https://telegram.me/Dine_Behi)

[www.flickr.com/dinebehi](http://www.flickr.com/dinebehi)

[www.youtube.com/dinebehi](http://www.youtube.com/dinebehi)

[www.instagram.com/DineBehi](http://www.instagram.com/DineBehi)